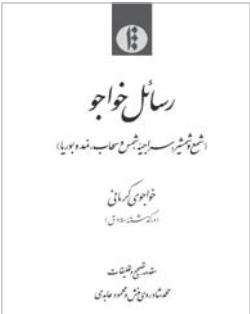


«رسائل خواجو» منتشر شد



تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، استاد زبان و ادبیات فارسی‌ساز دانشگاه خوارزمی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دکتر محمد شادروی‌منش، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، انتشار پیدا کرده است. «رسالات خواجو» دربردارندهٔ چهار رسالهٔ شمع و شمشیر، سراجیه، شمس و سحاب و نمد و بوریا است. بخش «شمشیر» از جمله این رساله‌هاست. رسالهای در مناظرهٔ شمع و شمشیر، هر دو از ملازمان درگاه سلطان و بازیگران بزم و رزم. این رساله شامل هفت بخش است؛ مقدمه، چهار گفتار از شمع و شمشیر و خاتمه که داوری غفل است.

«سراجیه» دیگر رسالهٔ گنجانده شده در این اثر است. این رساله، در واقع گفت‌وگوی نویسنده است با چراغ (سراج). بدین ترتیب که خواجو خاطرهٔ شبی را گزارش می‌کند که چراغی در پیش داشته است. او همهٔ سوختن‌ها و گل‌آشن‌ها و با همهٔ زیبایی‌هایی که در وجود و شعله و نور چراغی قابل تصوّر است. این رساله با مقدمه‌ای در ستایش «جمال الحق و الذین» آغاز می‌گردد و با یادی دیگریاره از سلطان و بدون ذکر نام او خاتمه می‌یابد.

«شمس و سحاب» و «فی مناظرهٔ اللبّه و الباری» (در مناظرهٔ نمد و بوریا)، عناوین دو رسالهٔ دیگر منتشر شده در کتاب «رسالات خواجو» است. ماجرای مناظره در رساله‌های «شمس و سحاب» از شبی آغاز می‌شود که مؤلف از دیوان کمال (در بعضی از نسخه‌ها: شمس) غزلی آغاز می‌کند و از پردهٔ حسینی (همان پردهٔ بزرگ سپهر) نوابی «سر سبز می‌کند» و قصیده‌ای موشح می‌خواند.

با پایان گرفتن این قصیده، «شمس» را می‌بیند که با مفاخرهای تمام از خود سخن می‌گوید؛چنان‌که به سحاب را برمی‌انگیزاند. گفته‌های تند و تیز سحاب موجب می‌شود که شمس، پیش از پیش برافروخته شود و در مقام پاسخ‌گویی برآید. این گفت‌وگوها در میان آنها تا سه بار تکرار می‌شود و سرانجام، ماجرا با حکمتِ آسمان و دعوت او به صلح، پایان می‌گیرد. سوال تألیف شمس و سحاب نیز ۷۸ ق و مفارن فصل بهار است و سه گفتهٔ مؤلف:

فصل بهار بود که گل‌های این چمن
از فیض کلک ابر مثالم شکفته شد
بر نام سه مناظرهٔ ابر و آفتاب

درسال‌مقصود و چهل و هشت گفته‌شد

رسالهٔ نمد و بوریا، مناظره‌ای است که در خاتفاه بیسن نمد و بوریا پیش می‌آید و نتیجهٔ گفت‌وگوها توصیهٔ آید خواجو به پریمز و گریز از صحبت و مجالست با خانقاهیان است. در حالی‌که گوینده خود از آغاز سخن به امین‌الدین بلایلی، صاحب خانقاه اظهار ارادت کرده است و پیوسته خود «امرشدی»، یعنی پیرو شیخ مرشد معرفی می‌کند.

برای آگاهی بیشتر می توانید به وبسایت موسسه مراجعه نمایید:
www.mirasmaaktoob.ir

نیازمند بهای اطلاعات

شاعر اگر معترض و متفکر نباشد، شاعر نیست. زیرا که اعتراض در ذات شاعر است و فکرکردن در نهاد او، اعتراض، نه به معنای پرخاش‌کردن و بیاهو و برانگیختن است، بلکه به معنای زیانگریستن، درست‌نگریستن و زیابزیناست. در هر زمانه‌ای، حال بیهیم که شاعری مثل «نزاری قهستانی پورجندی» در قرن هفتم ه‍.ق، در زمانهٔ عبرت و روزگار قساوت، چگونه زیسته است و از آن روزگار دهشتزای مخوف نکت و غارت، چگونه جان ششیرین به در برده و این اشعار آبدار و سراسر عشق، واکنش و اعتراض را چگونه سروده است.

ما امروزیان روزگار سراسر خوف و خطر و ترس و لرز مغولان، یلخانات و تیموریان را ندیده‌ایم و نیزه ابلاغ و طعنهٔ تیربار آنان به تنمان ننشسته است تا بدانیم که پیشینیان ما چه کشیده‌اند و چه مصایبی را تحمل نموده‌اند.

همه ناروایی‌های روزگاران، به آشکار یا رمزآمیز، در شعر شاعران آن زمانهٔ غسرت یا روزگاران دیگر به خوبی قابل درک است و در پایاری از اشعار نزاری قهستانی نیز خوش‌بین گشته‌اند. نزاری با آنکه مدتی منشی دربار مغولان مسلمان شده بود، هیچگاه در شعر خود از پند و اندرز و نصیحت و حتی اعتراض و تندگویی نسبت به امرای غاصب و جور و بجای آنان نسبت به مردم، از پای ننشست. همچنین خرقه‌پوشان ریایی و متظاهرن‌بی عمل به دینداری را بارها در شعر خود به بیلاری نصیحت کرده است.

اعتراض چیست؟ اعتراض در شاعری، نه به معنای پرخاش است و خیرسری، بلکه اعتراض بهتر دانستن و تفکر بایسته داشتن است. اعتراضی نه جنوناً،بلکه جنون بین و مرحمت‌آمیز، که ما شاعرانی معترض بسیار داشته‌ایم. از خیام گرفته تا مولانا و حافظ و وحشی و صائب. اگر خوب بنگری، معترضی، اگر خوب درک کنی، معترضی و اگر خوب به جوانب خود بنگری، معترضی. حکیم نزاری قهستانی، قلندری بوده‌است خرابانی که به زور، زاهدی را بر خود نمی‌سنیدلید. است. قلندری دم و شتنگولی و خرابانی

به زور، زهدی در خود نمی‌توانم پیست

و قلندران و مجنونان معرفت کسانای برده‌اند که زهد

راییی را برنمی‌تاییدند. نزاری قهستانی، در لایه‌ای اشعارش

که معمولاً غزل هستند، رگه‌های بسیار از پرخاش و اعتراض

دیده می‌شود. شاید ما امروز درباره شاعران مدیحه‌سرا به غلط

به فضاوت پره‌رازم و بگویم که چرا این چنین اشعار ناب خود

را در ملح ستمگران و زورگویان تاریخ سروده‌اند و بدین‌گونه

هم شعر خود را خوار نموده‌اند و هم خود را در چشم آبدنگان

خوار و ذلیل ساخته‌اند. جواب این است که در لایه‌ای اشعار

شاعران مدیحه‌گو نیز خطوطی از پرخاش و اعتراض دیده

می‌شود. منتهی باید این اعتراض‌ها و پرخاش را تشخیص داد

و در ضمیر و اندوه درون آنها را در تکبیت‌ها یا بیت‌هایی که

در لایه‌ای ابیات سروده‌های ایشان دیده می‌شود، نشان‌دهنده

اعتراض، پرخاش و درون‌نگری شاعر و هنرمند روز است که

به نوعی، تحول ایجاد می‌نماید.

جهان‌نگری چیست؟

صنعت شاعری به وسعت نظر، گشاده‌طبعی و دورنگری نیاز دارد. هیچ شاعری به شهرت نمی‌رسد مگر اینکه با دیدی وسیع به اطراف خود بنگرد. همه چیز را ببیند و نظری انتقادی داشته باشد. چنین بزرگانی را بسیار داشته‌ایم. از خیام گرفته تا مولانا و از حافظ تا وحشی. اگر سعدی در کرمان‌نامه جلومغولان، ششیراز را ترک کرد و به سفر رفت، یا مولانا جلال‌الدین به همراه پدر، در همان کرگرم‌گام و بهانه خوارزماش، از بلخ دور شد، نمی‌توانیم ایرادی به آن دو وارد سازیم. زیرا که قطعاً سفر آن دو بزرگ به سفر نوعی پرخاش و یا مال‌الدینی بوده است. هر چند که جلال‌الدین در هنگام سفر، کودکی بیش نبود. بنابراین، اعتراض به گونه‌های مختلف شکل می‌گیرد و قطعاً اگر آن دو بزرگ به سفر نمی‌رفتند، امروز ما نه سعدی داشتیم و نه مولوی.

سعدالدین نزاری فوجایی قهستانی پورجندی (۶۳۵ – ۷۲۱ ه‍.ق) نیز در اوج پورش خاتمان براناز مغولان، به عرصه وجود نهاد او و تکراری مغول را در ده‌های جامعه ستم‌کننده و اجحاس کرده، تعصبات و یک‌جانیه‌نگری‌های اعتقادی را درک نموده است و اگر در کلامش سخنی از اعتراض

و پرخاش می‌بینیم، حاصل همان دوره هول و هراس تازندگان مغول است. آثار این هول و هراس، بیشتر در مثنوی‌ها، قصاید، قطعات و رباعی‌های او آشکار است. نزاری در مدیحه‌سرایی قصب به امیران خدمتگزار، وزیران لشتور و بزرگان علم و ادب و کمال پرداخته‌است و برای جاه و مال و مقام به مدح روی نباورده است.

در غزله‌ها غالباً با زبانی تند و تیز دردها، زنجها و مصایب خود را بیان کرده، اما زبانه‌ها و سستم‌های روزگار و خدمت‌ان و رنج‌کشیدگان عصر خود را غالباً در مثنوی‌ها و قطعات آشکار ساخته است. به ویژه در مثنوی «ادب‌نامه» که زبان انتقاد او قوی‌تر است.

چو شه بر خدام عیب جوید به فخر

بود عیش خدمتگزاران چو زهر

همه ناروایی‌های روزگاران، به آشکار یا رمزآمیز، در شعر

شاعران آن زمانهٔ غسرت یا روزگاران دیگر به خوبی قابل

درک است و در پایاری از اشعار نزاری قهستانی نیز خوش‌بین

گشته‌اند. نزاری با آنکه مدتی منشی دربار مغولان مسلمان شده

بود، هیچگاه در شعر خود از پند و اندرز و نصیحت و حتی

اعتراض و تندگویی نسبت به امرای غاصب و جور و بجای

آنان نسبت به مردم، از پای ننشست. همچنین خرقه‌پوشان ریایی

و متظاهرن‌بی عمل به دینداری را بارها در شعر خود به بیلاری

نصیحت کرده است.

اعتراض چیست؟ اعتراض در شاعری، نه به معنای

پرخاش است و خیرسری، بلکه اعتراض بهتر دانستن و تفکر

بایسته داشتن است. اعتراضی نه جنوناً،بلکه جنون بین و

مرحمت‌آمیز، که ما شاعرانی معترض بسیار داشته‌ایم. از خیام

گرفته تا مولانا و حافظ و وحشی و صائب. اگر خوب بنگری،

معترضی، اگر خوب درک کنی، معترضی و اگر خوب به جوانب

خود بنگری، معترضی. حکیم نزاری قهستانی، قلندری بوده‌است

خرابانی که به زور، زاهدی را بر خود نمی‌سنیدلید. است.

قلندری دم و شتنگولی و خرابانی

به زور، زهدی در خود نمی‌توانم پیست

و قلندران و مجنونان معرفت کسانای برده‌اند که زهد

راییی را برنمی‌تاییدند. نزاری قهستانی، در لایه‌ای اشعارش

که معمولاً غزل هستند، رگه‌های بسیار از پرخاش و اعتراض

دیده می‌شود. شاید ما امروز درباره شاعران مدیحه‌سرا به غلط

به فضاوت پره‌رازم و بگویم که چرا این چنین اشعار ناب خود

را در ملح ستمگران و زورگویان تاریخ سروده‌اند و بدین‌گونه

هم شعر خود را خوار نموده‌اند و هم خود را در چشم آبدنگان

خوار و ذلیل ساخته‌اند. جواب این است که در لایه‌ای اشعار

شاعران مدیحه‌گو نیز خطوطی از پرخاش و اعتراض دیده

می‌شود. منتهی باید این اعتراض‌ها و پرخاش را تشخیص داد

و در ضمیر و اندوه درون آنها را در تکبیت‌ها یا بیت‌هایی که

در لایه‌ای ابیات سروده‌های ایشان دیده می‌شود، نشان‌دهنده

اعتراض، پرخاش و درون‌نگری شاعر و هنرمند روز است که

به نوعی، تحول ایجاد می‌نماید.

جهان‌نگری چیست؟

صنعت شاعری به وسعت نظر، گشاده‌طبعی و دورنگری

نیاز دارد. هیچ شاعری به شهرت نمی‌رسد مگر اینکه با

دیدی وسیع به اطراف خود بنگرد. همه چیز را ببیند و نظری

انتقادی داشته باشد. چنین بزرگانی را بسیار داشته‌ایم. از خیام

گرفته تا مولانا و از حافظ تا وحشی. اگر سعدی در کرمان‌نامه

جلومغولان، ششیراز را ترک کرد و به سفر رفت، یا مولانا

جلال‌الدین به همراه پدر، در همان کرگرم‌گام و بهانه خوارزماش،

از بلخ دور شد، نمی‌توانیم ایرادی به آن دو وارد سازیم. زیرا

که قطعاً سفر آن دو بزرگ به سفر نوعی پرخاش و یا مال‌الدینی بوده

است. هر چند که جلال‌الدین در هنگام سفر، کودکی بیش

ن نبود. بنابراین، اعتراض به گونه‌های مختلف شکل می‌گیرد و

قطعاً اگر آن دو بزرگ به سفر نمی‌رفتند، امروز ما نه سعدی

داشتیم و نه مولوی.

سعدالدین نزاری فوجایی قهستانی پورجندی (۶۳۵ – ۷۲۱

ه‍.ق) نیز در اوج پورش خاتمان براناز مغولان، به عرصه

وجود نهاد او و تکراری مغول را در ده‌های جامعه

ستم‌کننده و اجحاس کرده، تعصبات و یک‌جانیه‌نگری‌های

اعتقادی را درک نموده است و اگر در کلامش سخنی از اعتراض

وادی ادبیات

اگر تو آنچه روی دوست درباری
به روی آینه بنگر که چون نکو رویی
کدام جام جم آنجا که سینه صافی است
در او دگر چه نتوان دید غیر نیکویی

چو از روایح انفاص عارفان گویند
خطا بود که زند مشک، لاف خوش‌بویی

... زتاب آتش خراب آب روی بیش مریز
که حرص آب رویی میسر آب آمویی

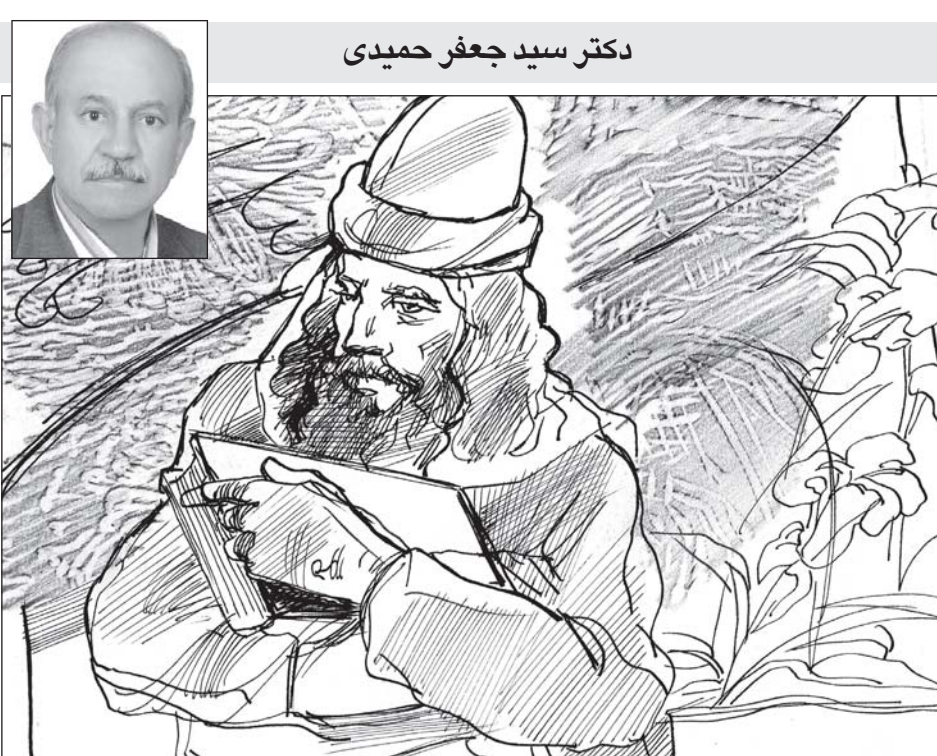
معین است می و شسیر و انگبین بهشت
تو دوست بسته و بنشسته بر لب جویی

نزاریا، بطلب نقد هر دو کون از خویش

به هره در طلب از شش جهت چه می‌بویی

(غزل، ۱۴۰۰، ص ۶۷۶)

جهان‌نگری و بلندنگری در شعر نزاری قهستانی



دکتر سید جعفر حمیدی

در غزل بالا منتهای آزادی و آزادمنشی نزاری آشکار است.

او بهشت و رسیدن به آن را وسیله و نتیجه آزادی و خوش‌خویی می‌داند. سینه صافی را برتر از جام جم می‌داند و معتقد است

که در این جام، غیر از نیکویی چیزی نمی‌توان دید.

اگر از هر دو جهان برشکنی، یک رویی

ورنه ای یار کجا با که سخن می‌گویی

هرچه در دوست شوی مچو و در او مستغرق

این توان گفت ازاین، نتوان گفت اوبی

گر به تو بسز نمایند ترا، هیچ نیت

از پی میجی خود، بیش چمر می‌بویی

در نمنازی اگر از حرص و طمع آزادی

در بهشتی اگر آسوده‌دل و خوش‌خویی

راه در حلقه فقرت چو نزاری نداند،

تا تو در حلقه چوکان وسواس، گویی

(غزل ۱۰۴۱، ص ۶۷۸)

رباعی‌های خیام نیز بر رباعی‌های نزاری بی‌تأثیر نبوده

است. چنان‌که گاهی رباعی‌های این دو با هم اشتباه گرفته شده

است. کاتبان سخن، رباعی‌های نزاری را از خیام دانسته و در

مجموعه‌های خیام جای داده‌اند.

در مذهب عاشقانه قرار دگر است

در سمر، می عشق را از خیام دگر است

هر علم که در مدرسه حاصل کردیم

کاری دگر است و عشق کار دگر است

زان طایفه نیستم که نازم به بهشت
زان قوم نیم که ترسم از دوزخ زشت
بیهوده چه عم خورم که معلوم نیست
تا مغ سر من از ازل ایزد چه نوشت

گردست دهد ز مغز گندم، نانی

وزمی دوستی، ز کوسفندی، رانی

بسا دلبر کسی نشسته در ویرانی

عیشی است که نیست حد زر سلطانی

(دیوان، ص ۲۰۳)

پیداست که بی‌باکی و پاک‌طبعی نزاری، از آشنخور طبع

بلند خیام نیز سیراب شده و از گفته‌های او تأثیر پذیرفته

است. رباعی بالا در کلیات حکیم عمر خیام نیز آمده است.

(ص ۵۰)

ما کافر ضعیف و مسلمان دگر است

ما مور ضعیفیم و سلیمان دگر است

از ما رخ زرد و جامهٔ پارطلب

بازارچه قصب‌فروشان دگر است

(همان‌صفحه)

نزاری از ساده‌لوحی و زودباوری اثر خرافه و کسانای

که دین را با خرافات همراه کرده‌اند، سخت بیزار بوده است

و بلندنگری و جهان‌نگری خود را بارها و بارها در اشعار

خود نشان داده است. به‌ویژه در ترجیع‌بدها که خرقه‌پوشان

هر طایفه مماندهند موصوف

در منکر نهی و امر معروف

ای است انبیای مرسل

عمر از پی نسبه کرده مصروف

تا چند توان به جهل بودن

بر رای و قیاس خویش مشعوف

پیغمبر ما چرا به معراج

گشته ست به جبرئیل موصوف

یعنی ز حجاب خود بیرون آی

تا بر تو شود رموز، مشکوف

هرگز نرسی به قصر مقصد

ساکن به خرابه‌های مألوف

از غصهٔ بر کشیده ایوان

ممکن به خرابه می‌کنند کوف

و ز ننگ وجود خرقه‌پوشان

هر سال غنم بفیکند صوف

در سیر و سلوک، گرم و بر شاف

خرمن می‌سوز و دانه می‌پاش

(ص ۲۱۶)

و خیام فرموده است:

ای دل ز غبار جسم اگر پاک شوی

تو روح مجرّدی، بر افلاک شوی

عرش است نشیمن خود، بشمرت بادا

کایسی و مقیم خطه خاک شوی

(رباعیات، ص ۱۵۰)

مثنوی‌های نزاری، نشانگر روح بلند و فکر ارجمند است.

مخصوصاً نگرش و تعلق خاطر او به عرفان که در نتیجه سفرها

و مذهبنی و دیدار با جماعت عارفان و متفکران بسیار شعر

او یخته و شده است.

تسلط نزاری بر علم و دانش فراوان زمان خود و تقرب او

به دربار مغولان مسلمان شده و تعدادی مقام شمشیرگی، دربار،

بر کثرت دانش و گسترش اطلاعات نزاری افزوده است.

مثنوی‌های «از هر، «ادب‌نامه»، «اروز و شب» و

کتبهای دیگر او، نشانهای از دانش فراوان او هستند.

آرامگاه نزاری در بیرجند، زیارت‌گاه مشفقان و ادب‌دوستان

و شعرشناسان است.

پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۰ جولای ۲۰۲۰ - سال نودونجم - شماره ۲۷۶۱۲

سعدی

آخر الزمان

نورالدین میرفرحایی

سعدی ام من که در علوم بیان
گویی سبقت ربودم از آقران
پهلوانی دگر چو من نابد
در بلاغت به هیچ عصر و زمان
اهل فرهنگ متفق که منم
در فصاحت، ترازو و میزان
با گلستان و بوستان و غزل
شهره گشته به چارسوی جهان
رنج من عاقبت چو گنجی شد
مایه سربلندی ایران
فیض از آسمان رسید و شدم
شارچی سپهر دست در قرآن
مصطفی دل ز من به یعما برد
جان من رفت از پی جانان
مرتضی را شفیع آوردم
روز دین نزد داور دینان
دامن دین زودم از تزویی
پیش تر زان که خواجه زندان
دل به رندی سپرد حافظ و من
عارفان با ستودم از بُن جان
جانب مردمان گرفتم من
گرفت کردم به شحمت سلطان
شاه از بیم دادم از اهی
که کند تخت سلطنت ویران
تا که خسرو خسار تی زند
خلق پوشیده جامهٔ خَلقان
گفتم اَر نام خوش منی خواهی
که به نیکی بُرُند جاویدان،
عدل را شرط عقل بنمادرد
نوکنده راه و رسم نوشروان
از سلیمان مثال آوردم
که به یادی فروشدش ارکان
تا بداند که مُلک از آن خداست
ملک دیگر فنا شود آسان
نامهٔ عشق هست دینار عشق
دیوار غشقی می کند انسان
سعدی آخر الزمان گشتم
با عنایات خالق سبحان

چه خواهی؟....

دکتر حبیب الله صناعتی (بويا)
بگو با من ای خسته بويا، چه خواهی؟
چه دیدی زندیا؟ در دنیا چه خواهی؟
زمین خرد و زاید این روز و شب
از امروز دوبروز و فردا چه خواهی؟
جهانی است سرشار رمز و شگفتی
کی آکه شوی؟ زین معما چه خواهی؟
چه پرسى چرا نیست رسم مروت؟
چنین است برنام؛ بیجا چه خواهی؟
چرا شیر باید خورد آهوان را؟
از این پرسش نکتۀ افزا چه خواهی؟
تفاوت میان بشر را بدین حد؟
چنین نیست در باور ماچه خواهی؟
چه بسیار پرسش تورا در دل آمد
بیا بگذر ای خسته «بويا» چه خواهی؟

شماره نماير نیاز منديها۲۲۲۲۴۸۸۶-۲۲۲۲۴۹۶۳

انجانب بازعلى ابدالى مالک خود رويو پارس مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۱۹۷/۱۴۱۷۱۷۱۴۱۷ به شماره موتور ۳۷۲۱ به شماره پلاک ۱۳۸۴ با رنگ قره‌ای به شماره ۱۴۳۷۵۸۰۱ پلاک ۱۳۳۴۷۵۸۰۱ و به شماره ۱۳۳۴۷۵۸۰۱ پلاک ۱۳۳۴۷۵۸۰۱ به شماره ۱۳۳۴۷۵۸۰۱ پلاک ۱۳۳۴۷۵۸۰۱ به شماره ۱۳

ارائه تسهیلات ارزان قیمت به مردم در خراسان رضوی

مشهد - خبرنگار اطلاعات: استاندار خراسان رضوی با حضور در سامانه الکترونیکی ارتباط مردم با دولت (سامانه) به طور تلفنی پاسخگوی مشکلات مردم شد.



علیرضا رزم حسینی در حاشیه این برنامه، در جمع خبرنگاران با بیان این که در این سامانه به ۳۰۰ تماس تلفنی شهروندان در مدت یک ساعت و نیم پاسخگویی شدافزود: مشکلات معیشتی ناشی از کرونا ۲۵سال قبل اقدام به خرید زمین نیاز به تسهیلات، اشتغال و مشکلات

بخشی از مشکلاتی که مطرح کردند قابل حل است و هرچه هم حل نشود با شفافیت و صداقت علت آن را به مردم می گوئیم. رزم حسینی افزود: بیشتر مدیران دلسوز هستند و می خواهند مشکلات را حل کنند. اگر مدیری نتخواهد این کار را انجام دهد با وی برخورد خواهیم کرد.بنا به این گزارش به منظور رسیدگی به درخواست‌های مردم و افزایش رضایتمندی اجتماعی، بر اساس برنامه زمان بندی مشخص، مدیران مسئولان دستگاه‌های اجرایی استان خراسان رضوی با حضور در محل سامانه ساماد به صورت برخط و مستقیم پاسخگوی مشکلات شهروندان در استان خراسان رضوی

سامانه الکترونیکی ارتباط مردم با دولت با عنوان ساماد، در دولت تدبیر و امید طراحی و راهاندازی شد به خراسان رضوی یکی از پیشگامان بهره‌گیری از این سامانه در کشور است و اکنون حدود چهار سال از فعالیت این سامانه در استان می گذرد.

تکمیل پروژه‌های نیمه تمام، اولویت شهرداری شهر یار است

شهیر یار - خبرنگار اطلاعات: تکمیل پروژه‌های نیمه تمام، افزایش سانه‌های عمومی و هوشمندسازی خدمات شهری در اولویت کاری مدیریت شهری درسالجاری ۱۴۰۰ دار.

بهروز کوابلی، شهردار شهیر یار با اشاره به نرخ بالای رشد جمعیت و افزایش مهاجرت به حومه تهران و به ویژه شهیر یار گفت: شهیر یار با ۴۰۰هزار نفر جمعیت و تراکم و فشردگی جمعیت نیازمند ارتقاء خدمات رسانی، افزایش سانه‌های عمومی و امکانات وخدمات شهری است و دراین خصوص مدیریت شهری با همکاری دستگاهها و نهادهای مشارکت مردمی به دنبال تکمیل پروژه‌های نیمه تمام، ارتقاء

تشدید روند شیوع کرونا در ۳ استان



سواحل خالی از گردشگردر روزهای شیوع کرونا در مازندران

کرونا در مازندران شتا در شنگاهای ممنوع اعلام شده است. بر این اساس در شهرستان شوهر که بیشترین طول نوار ساحلی مازندران را دارد طرح‌های سالمه‌سازی دریا به حالت تعلیق و سواحل اناروز، سسترا و سنک سناک تعطیل شدند. آژر ساحلی شوهر ۵۰کیلومتر طول دارد و ۸۰تقطیع این محدوده قابل دسترسی مردم به ساحل است.

فارس و مازندران با سرعت زیادی طعمه هایش را از میان افراد جامعه و تمامی رده های سستی انتخاب می کند.استان های یاد شده که تابستان هر سال در چنین روزهای پذیری مسانوان بود، اکنون با شیوع گسترده کرونا و اجباری محدودیت‌های خاص، روزهایی تلخی را پشت سر می گذارد.

بدلیل شیوع مجده ویروس

سرویس شهرستان هامیران مراجعه بیماران مبتلا به کرونا به بیمارستان‌ها با اعمال نظارت‌ها و اتخاذ تدابیر جدید از جمله اجبار به استفاده از ماسک و جلوگیری بر اکثری از جمععات و مراسم از جمله غروبسی و عزا طی دو هفته گذشته در برخی استان‌ها کمتر شده است اما گمان‌کن ویروس کرونا در ۳ استان خراسان رضوی،

فارس و مازندران با سرعت زیادی طعمه هایش را از میان افراد جامعه و تمامی رده های سستی انتخاب می کند.استان های یاد شده که تابستان هر سال در چنین روزهای پذیری مسانوان بود، اکنون با شیوع گسترده کرونا و اجباری محدودیت‌های خاص، روزهایی تلخی را پشت سر می گذارد.

بدلیل شیوع مجده ویروس

فارس و مازندران با سرعت زیادی طعمه هایش را از میان افراد جامعه و تمامی رده های سستی انتخاب می کند.استان های یاد شده که تابستان هر سال در چنین روزهای پذیری مسانوان بود، اکنون با شیوع گسترده کرونا و اجباری محدودیت‌های خاص، روزهایی تلخی را پشت سر می گذارد.

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

بدلیل شیوع مجده ویروس

معاون وزیر بهداشت:

مراسم خانوادگی، دلیل عمده افزایش شیوع کرونا است



بیمارستان به خوبی خدمات در حال ارائه است و در گفت و گو با پیماران و همراهان آنان، نسبت به روند خدمات اعلام رضایت شده است. معاون درمان وزارت بهداشت از بررسی موضوعات مربوط به نیروی انسانی، نوبت کاری پزشکان و پرستاران، ویزیت پزشکان، تجهیزات و ملزومات پزشکی، نحوه برخورد با بیماران مبتلا به کرونا و دفعه‌ده های تیم های درمانی در حاشیه این دیدارها خبر داد. دکتر جان بابایی در سفر به شیراز، بخش «مگا ای سسی یو» بیمارستان شهید دکتر فقیه‌سی و بخش جدید رادیولوژی اورژانس بیمارستان شهید رجایی را افتتاح کرد. برای راه اندازی و تجهیز «مگا ای سی یو» با ۲۲ تخت، ۱۵میلیارد تومان و برای بخش جدید رادیولوژی اورژانس بیمارستان شهید رجایی ۳ و نیم میلیارد تومان هزینه شده است.

قرنطینه بیماران در بدو شیوع بیماری کرونا مد نظر است، استفاده از «مگا ای سی یو» در بیمارستان‌ها است که به زودی این طرح نیز در تمامی بیمارستان‌های سراسر کشور اجرایی خواهد شد تا شاهد کاهش بیماران بخش‌های مراقب‌های ویژه در بیمارستان‌ها باشیم. معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، استفاده از تمامی ظرفیت‌های کشور را م‌رھون توسعه زیرساخت‌های درمانی و بهداشتی دانست و با یادآوری خدمات دولت در مورد افزایش تخت‌های بیمارستانی اظهار داشت: در شرایط کنونی بیشتر و بهتر می توانست به ارزش افزایش تخت‌های بیمارستانی پی برد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود،

دانشگاه علوم پزشکی شیراز را یکی از

دانشگاه‌های موفق در حوزه بیمار شناسی و

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این

نمازی شیراز، گفت: در بخش های این



۳



قصه‌های ایران

۵۴



۲

برایم نوشتی، برایت نوشتم

ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه اطلاعات / ۴۷۶
پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۹ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۶۱۲





تابستان متفاوت ما

از وقتی کرونا آمده است، همه چیز ما عوض شده است؛ سبک زندگی، آداب معاشرت، مدرسه رفتن، تعطیلات داشتن، تغذیه و ...

بعضی از این تغییرات ماندگار هستند و بعضی موقتی. مثلاً استفاده از فضای مجازی برای آموزش همیشگی خواهد بود ولی استفاده از ماسک و دستکش موقتی است و با اتمام این بحران، نیازی به دستکش و ماسک نخواهد بود. البته آینده چندان واضح نیست و چه بسا تغییرات دیگری هم ببینیم که موقتی یا پایدار باشند.

تابستان امسال نیز، متفاوت از همه تابستان‌هایی است که تا کنون گذرانده‌ایم. امسال خبری از آب تنی، استخر، کلاس‌های تابستانی، سفر، ورزش و ... نیست. اما بیایید طور دیگری به داستان نگاه کنیم و به جای غرزدن و یادش بخیر پارسال این موقع کجا بودیم یا چه می‌کردیم وای کاش کرونا نبود و ...؛ یک لیست از اتفاقاتی که می‌توانند در این شرایط لذت‌بخش باشند تهیه کنیم. انواع کلاس‌ها و برنامه‌ها و کنسرت‌های آنلاین که دیگر مختص تهرانی‌ها نیستند و همه شما در سراسر

ایران یا خارج از ایران می‌توانید از آنها استفاده کنید، انواع چتها و دورهمی‌های آنلاین که بدون زحمت چی بیوشم و چی ببرم و چی بخرم و ... برگزار می‌شوند، ناهارها و شام‌هایی که همه اعضای خانواده دور میز هستند و یکی سر کار و یکی کلاس و یکی بیرون از خانه نیست، کتاب‌ها و فیلم‌ها و سریال‌هایی که می‌شود با قیمت بسیار پایین دانلود کرد و هزینه گزاف قبلی را برای خرید آنها نپرداخت، تجربه استفاده از انواع کتاب‌های صوتی و بازی‌های آنلاین و رادیو و پادکست که قبلاً با آنها آشنا نبودیم، فرصت کافی برای خوابیدن و استراحت کردن و مرتب کردن اتاق و انباری و کمد و باغچه و تاقچه و ... چیزهای کمی نیستند.

علاوه بر این، بعدها می‌توانید از درک یک دوره مهم از تاریخ بشر و تغییراتی که کرونا در جوامع ایجاد کرد برای فرزندان و نوه‌هایتان بگویید؛ درست مثل وقتی که بزرگترها از روزگاران قدیم، از زمانی که برق یا تلویزیون یا ماشین یا گاز خانگی نبوده و سبک زندگی متفاوتی که در آن روزگار داشتند، تعریف می‌کنند و شما داستان آنها را مثل تماشای یک فیلم قدیمی با تعجب و لذت

دنبال می‌کنید.

شاید بعضی‌ها بگویند این روزهای پرملال که شاهد رنج و درد عزیزانمان و هموطنانمان و مردم جهان هستیم، چه جای افتخار دارد که بعدها تعریف کنیم؟

اما این درد و رنج با فداکاری و همدلی و زحمت کادر پزشکی، معلمان و مردم گره خورده است. ما در این روزها مدام دنبال راهی برای محافظت از سلامتی جسم و جان خودمان و دیگران و خوشحال کردن و سرگرم کردن یکدیگر هستیم.


ما با این تجربه، داریم راهی برای خوب زندگی کردن پیدا می‌کنیم و این خیلی خوب است.

این تابستان هم به هر حال می‌گذرد؛ پس چه بهتر که روزهای طولانی و کشدار و پر نور تابستانمان را با همین ایده‌های قشنگ و راه‌های خلاقانه، مثل طعم خنک هندوانه جلوی باد پنکه، پر از داستان‌ها و خاطرات و اتفاقات پر از نشاط و آرامش کنیم.

اگر موافقید و طرح و برنامه‌ای دارید برای ما بنویسید و بفرستید تا با همه دوستانتان در میان بگذاریم.



حال مرغ دریایی

محسن اعلا 

نور می‌بارد

صبح زیبایی ست

صبح زیبا و دل‌آرایی ست

پر زنان پروانه‌ها این سو

پرکشان سنجاق‌کان آن سو

یک کلاغ کنج‌کاوی هم لب دریا

در به در دنبال چیزی می‌دود هر سو

می‌خورد گنجشک‌کی، میگو


روی آب صاف این دریا

مرغ دریایی تماشایی ست.

حال من امروز،

مثل حال مرغ دریایی ست.

حسرت دریا

مریم رزاقی چمازگتی 

من چشمه‌ای بودم

در حسرت دریا

بادی وزید و من

گم کرده‌ام خود را

حالا شدم مرداب

در یک کویر پیر

من دورم از دریا

خاموشم و دلگیر

خاموشم و دارم

یک آسمان در خواب

او مثل من غمگین

من مثل او بی‌تاب

حالا برای من

این آسمان زیباست

هم صاف و هم ساده

هم مثل یک دریاست





یک گاز خوشمزه

سوگل عساری



اما سهیل می خواهد صاحب یک فروشگاه زنجیره ای بشود. یک فروشگاه شکلات. ماما بعد از نوشیدن چایی دارچین به اتاق می رود تا استراحت کند.

سهیل خورش قورمه سبزی خیلی دوست ندارد. برای همین تصمیم می گیرد که برای شام در کنار خورش قورمه سبزی، برای خودش نیمرو درست کند.

سهیل تا حالا سراغ ماهیتابه و کفگیر نرفته است و تنها حضورش در آشپزخانه برای خوردن غذاهای ماما بوده. او گاز را روشن می کند، ماهیتابه را روی آن می گذارد و چند قاشق روغن توی آن می ریزد. از توی یخچال یک تخم مرغ بر می دارد، آن را می شکند و توی ماهیتابه می اندازد. تخم مرغ تنش می سوزد و وحشت می کند. روغن در حال جوشیدن هم از این کار عصبانی می شود. آن وقت با صدای بلند اعتراض می کند: جلزرز! ولزرز!

سهیل دستپاچه می شود. به سرعت یک لیوان آب سرد توی ماهیتابه خالی می کند. روغن توی ماهیتابه بیشتر عصبانی می شود و به صورت سهیل می پاشد.

ماما از صدای جیغ سهیل به طرف آشپزخانه می دود و می بیند که صورت سهیل چند تا تاول زده. او گاز را خاموش می کند و برای این که پسرش را آرام کند می گوید: یه برش کیک شکلاتی توی یخچال داریم. الان برات میارم.

سهیل فقط با این حرف ماما می توانست آرام شود. نگاهی به ماهیتابه می کند و با قیافه ای که می توان حدس زد چه شکلی است، منتظر می شود تا یک گاز خوشمزه به کیک بزند.

بوی خورش قورمه سبزی فضای خانه را پر کرده است. ماما الان آشپزی اش تمام شده و با خیال راحت برای خودش یک چایی دارچین دم می کند. سهیل چایی دارچین را دوست دارد، به شرطی که کنار لیوان دسته دارش یک بشقاب کیک خامه ای شکلاتی هم باشد. این خیلی خیلی اهمیت دارد.

سهیل دوست دارد در آینده صاحب یک فروشگاه زنجیره ای شکلات بشود و عصر روزهای تعطیل با دوست هایش کیک خامه ای شکلاتی بخورند. فکر این آرزو هر چند وقت یک بار احساس قشنگی به او می دهد.

سهیل و دوست هایش آرزوهای بزرگی دارند. ساسان می خواهد مخترع یک دستگاه مسواک زن برقی بشود. چون که شب ها حوصله ندارد مسواک بزند. سام می خواهد فضا نورده بشود و پا برهنه راه رفتن روی ماه را تجربه کند.



پدر دوست داشتنی

سیدرضا تولایی زاده

چند روزی بود پدر بزرگ را ندیده بودم. خیلی دلم برایش تنگ شده بود. ولی چاره‌ای نبود. قرار بود همه در خانه بمانیم. روبوسی، دیدار و بازی ممنوع شده بود، چون می‌خواستیم «کرونا» را شکست دهیم. پدر بزرگ ۷۰ ساله بود. تنها زندگی می‌کرد. از پوکی استخوان رنج می‌برد. پا درد داشت و به تازگی عصایی شده بود و هر چه پدرم اصرار می‌کرد حاضر نبود با ما زندگی کند.

برای همین پدرم مرتب به او سر می‌زد و هر چه لازم داشت برایش می‌خرید. من هم هر روز تلفنی با او صحبت می‌کردم. اما هیچ تلفنی جای بوسه‌ها، بغل کردن و نوازش با دست‌های نرم و تپش را نمی‌گرفت. این روند ادامه داشت تا این که پدرم مجبور شد چند روزی در بیمارستان بماند و خواهش کرد من و مادرم به پدر بزرگ سر بزنیم. ولی شب که تماس گرفتیم، پدر بزرگ گوشی را برنداشت! من نگران شدم و گفتم: مامان، بابا بزرگ چی شده؟ چرا جواب نمی‌ده؟ مادرم گفت: نگران نباش. شاید رفته وضو بگیره، مشغول نماز (نمازه)، خواب یا

اما آن شب هر چه تماس گرفتیم باز هم پدر بزرگ جواب نداد! این بار مادر هم نگران شد و گفت: باید با پدرت تماس بگیرم. دلم شور می‌زنه. ولی متأسفانه هر چه سعی کرد نتوانست با پدرم صحبت کند و به ناچار پیامک داد که فوری با من تماس بگیر! پدرم پزشک بود و باید چند عمل فوری انجام می‌داد. این، کار هر روز پزشکان و پرستاران در دوران «کرونا» و شلوغی بیمارستان‌ها بود و آنها گاهی مجبور بودند شب‌های زیادی در بیمارستان بمانند. نگرانی من و مادرم ادامه داشت تا این که پدرم صبح زود تماس گرفت و وقتی موضوع را فهمید، گفت: نگران نباشین. الان میام خونه بینم چی شده؟ یک ساعت بعد پدر با عجله به خانه آمد تا با ماشین خودش، به منزل پدر بزرگ برود.

من و مادر هم با اصرار همراهش رفتیم؛ اما هر چه زنگ زدیم کسی در را باز نکرد. نگرانی مان بیشتر شد.

خوشبختانه آقای رحمانی، سرایدار، طبق معمول مشغول رسیدگی به گل‌های حیاط بود و در را برایمان باز کرد.

پدر از آقای رحمانی حال پدر بزرگ را پرسید ولی او هم خبری نداشت. چون همه در خانه‌هایشان بودند و با هم صحبت نمی‌کردند و از حال هم خبر نداشتند. همراه پدر با سرعت از پله‌ها بالا رفتیم. پدر چندبار زنگ را محکم فشار داد و چون جوابی نشنید، دست‌پاچه شد، صورتش قرمز شد و اشک در چشمانش حلقه زد. من و مادر هم اشک‌هایمان سرازیر شد. پدر با مشت به در کوبید ولی این بار هم صدایی نشنید.

کفش‌های پدر بزرگ که بعد از کرونا دیگر به داخل برده نمی‌شد، جلوی در بود و ...

ناگهان رفتاری از پدرم دیدم که هیچ‌وقت ندیده بودم! پدر عقب رفت. چند لگد محکم به در زد. قفل شکست و سراسیمه وارد آپارتمان شد و با گفتن پدر پدر دنبال او گشت.

من و مادر هم دنبال پدر رفتیم که یکدفعه صدای ضعیفی را از حمام شنیدیم. پدر بزرگ روی زمین افتاده بود. دوش باز بود. یک دستش در سیفون (دستشویی فرنگی) گیر کرده بود و نمی‌توانست آن را بیرون بیاورد. پدر بلافاصله با آتش‌نشانی تماس گرفت. آتش‌نشان‌ها رسیدند. دستشویی را شکاندند و ساعتی بعد پدر بزرگ به کمک آنها روی تخت دراز کشیده بود و استراحت می‌کرد.

خوشبختانه دستش سالم بود، فقط ضعف داشت و کمی می‌لرزید. بعدا خودش گفت زیر دوش حمام تعادلش به هم خورده و چون دردستشویی باز بوده، دستش با فشار به داخل سیفون فرو رفته و ... بعد از آن بازور و خواهش و تمنا، پدر بزرگ را به خانه آوردیم تا بهتر بتوانیم از او مراقبت کنیم. حالا به لطف «کرونا» هر روز با پدر بزرگ بازی می‌کنم و از شنیدن قصه‌ها و خاطرات شیرینش لذت می‌برم. دلم می‌خواهد وقتی بزرگ شدم، مثل پدرم باشم و روزی از او مراقبت کنم. چون من هم تنها فرزند خانه هستم.





سلام تابستان!



دوستان خوب صفحه قاصدک کاغذی؛ قلم و کاغذ را بردارید و خاطرات و احساسات خود را از تابستان پیش رو که شاید بخاطر شیوع کرونا متفاوت از سال‌های دیگر باشد، از اتفاقاتی که دوست دارید بیفتند و رویاها و آرزوها یا غم‌ها و حسرت‌ها و نگرانی‌هایتان بنویسید و برای ما بفرستید تا با هم بخوانیم.

دوستدار همیشگی شما: فریبرز لرستانی (آشنا)

ارتباط با صفحه قاصدک کاغذی:

تلگرام: با شماره تلفن ۰۹۱۰۸۸۰۱۶۷۵ یا @aftabmahtab_zamimeh ایمیل: aftabmahtab@ettelaat.com

تلفن: ۲۹۹۹۴۵۸۱

آدرس پستی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت جنوبی سابق) - ساختمان اطلاعات - ضمیمه آفتاب مهتاب - کدپستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱

ستایش قندالی - ۱۱ ساله:

ستایش جان؛ خوشحالم که نوشته دیگری را از مجموعه‌ای که فرستاده‌ای، خواندم.

عنوان داستانت خوب و صمیمانه است و پایان آن هم امیدوارکننده و شاد. چرا که ستاره‌ها در بیداری پسرک باز پیش او می‌مانند و ماه هم به آنها لبخند می‌زند. این صحنه، احساس خوبی به مخاطب می‌دهد. اما مسأله این است که داستانت فضا سازی و پرداخت ندارد. فقط خیلی کوتاه موضوع داستان را توضیح داده‌ای؛ در حالی داستان نیاز به شخصیت پردازی دارد. شخصیت‌ها در شرایط مختلف احساس و افکار خود را نشان می‌دهند و بیان می‌کنند. کاش

دوستی با ستاره‌ها را با صحنه سازی‌ها و گفتگو نشان

می‌دادی. داستان خیلی کوتا هت را با هم می‌خوانیم:

دوستان خوب

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود. یک شب پسری در خواب دید که به سوی آسمان رفته و ۴ ستاره دارند با او بازی می‌کنند. اسم ستاره‌ها ماهک، روشنگ، شادونه و خوشحال بود.

آنها با هم خیلی خوشحال و شاد بودند. در کنار هم داشتند بازی می‌کردند که یکهو پسرک از خواب پرید و دید ۴ ستاره‌ای که با او بازی می‌کردند به آغوش او آمده‌اند و ماه هم از پنجره دارد به آنها لبخند می‌زند.



شایان شاه محمدی - ۱۱ ساله:

دوست تازه ما، نوشته‌ات را که یک نامه خیلی کوتاه برای پدر بزرگت بود و از راه بسیار دوری از آمریکا برای ایشان نوشته‌ای، خواندم. این نامه نثری بسیار ساده و صمیمی دارد و این یک نکته خیلی خوب در نوشتن است. سعی کن با همین نگاه صمیمی و نثر ساده، احساسات و فضاهای نوشته‌ات را بیشتر توضیح بدهی و نامه‌های دیگری هم برای پدر بزرگت بنویسی تا هم احساس زیباییات به ایشان منتقل شود، هم نگاهت به بهتر و دقیق دیدن عادت کند؛ هم ما از خواندن بقیه نوشته‌ها و نامه‌هایی که دوباره برای ما می‌فرستی، لذت ببریم.

چه خوب بود آن قسمت از نامه‌ات که نوشته‌ای



مسابقه بین و بگو (۱)

دوستان عزیز، به این تصویر نگاه کنید و آنچه به ذهن و زبانتان می‌رسد را در یک یا دو جمله بنویسید. نوشته‌های بلند در این مسابقه شرکت داده نمی‌شوند. برای ما مهم است که شما احساس یا برداشت‌تان را از این عکس، ساده و کوتاه بنویسید و برای ما بفرستید.



«عصای چوبی شما هر روز یادآور خاطرات خوب با شماست» را کمی بیشتر توصیف می‌کردی و مثل یک تجربه خوب به آن می‌پرداختی.

نامه‌ات را با هم می‌خوانیم:

سلام پدر بزرگ عزیزم؛ چه قدر دوست داشتیم در کنارتان باشیم. تخته نرد بازی کردن با شما چه کیفی دارد. هر روز که از مدرسه بر می‌گشتم و از اتوبوس پیاده می‌شدم، صورت مهربان شما همیشه در انتظار من بود. عصای چوبی شما هر روز یادآور خاطرات خوب با شماست.

من کوچک‌ترین نوه شما هستم ولی بابامصطفی، من شما را از همه بیشتر دوست دارم و فراموش نمی‌کنم که ارزش هر کس به ادب اوست.

اخبار کودکان و نوجوانان

پرورش سبزیجات در آشپزخانه

حالا که قرار است در خانه بمانیم، می‌توانیم کارهای خلاقانه و لذت‌بخش زیادی انجام دهیم؛ مثلاً با استفاده از دورریزهای سبزیجات، در خانه باغبانی کنیم.

سایت آموزک، مراحل این کار را قدم به قدم توضیح داده و گفته است: برای این کار به پیازچه (یا هویج، کاهو، کرفس، پیاز، سیر، سیبزمینی)؛ لیوان یا کاسه آب؛ چاقو و تخته آشپزخانه و یک نفر بزرگسال که با شما همکاری کند، نیاز دارید.

• با کمک فرد بزرگسال، دو و نیم سانتی‌متر از سر پیازچه‌ها را که ریشه از آن روییده است با چاقو برش بزنید و نگه‌دارید و بقیه را کنار بگذارید. برای رویش هویج، هویج‌هایی را انتخاب کنید که سر آن‌ها اندکی سبز شده باشد.

• برای رویش کاهو و کرفس نیز، پنج سانتی‌متر از مغز آن‌ها را نگه‌دارید. • برش‌های پیازچه را درون لیوان معمولی بگذارید و به اندازه‌ای آب در آن بریزید که ریشه‌ها کامل در آب باشند. بخش انتهایی بطری‌های پلاستیکی را نیز می‌توانید برش بزنید و مانند ظرف به کار ببرید. برای پرورش دیگر سبزی‌ها، آب را به اندازه‌ای در ظرف بریزید که یک سوم ارتفاع بخش جدا شده از گیاه، درون آب باشد.

• ظرف را در جای نورگیر مانند تاقچه پشت پنجره بگذارید.

• هر روز آب درون ظرف را عوض کنید و به اندازه نصف ارتفاع پیازچه‌ها در آن آب بریزید. پس از یک یا دو روز جوانه‌های سبزرنگ پیازچه‌ها را می‌بینید. پس از پنج روز، بخش سبزرنگ پیازچه‌ها به اندازه‌ای رشد می‌کند که آنها را بتوانید بخورید. ته هویج و مغز کاهو و کرفس به مدت بیشتری برای رشد نیاز دارند. صبور باشید.



• مغز کاهو و ته هویج به خوبی در خاک رشد می‌کنند. پس از رشد و سبز شدن جوانه‌ها، آنها را در خاک گلدان یا باغچه بکارید و روی جوانه‌ها را با خاک بپوشانید. به آنها خوب آب بدهید و در برابر نور خورشید بگذارید. پس از مدتی سبزیجات شما آماده برداشت هستند. توجه داشته باشید که با سبز شدن ته هویج، یک هویج کامل دیگر از آن رشد نمی‌کند. ولی سبزی‌های خوراکی و کمی تلخ‌مزه از آن می‌روید. اگر آنها را نمی‌خواهید بخورید، درون یک گلدان بکارید و مانند یک گیاه تزئینی در خانه نگهداری کنید. سیر نیز همین‌طور است. دیدن رویش جوانه‌های سیبزمینی نیز هیجان‌انگیز است، ولی مدت زمان و کارهای بیشتری نیاز است تا فراورده سیبزمینی به دست آورید.

• پیازچه‌ها به آسانی در آب رشد می‌کنند. آن‌ها ریشه دارند و از این رو آب را به سرعت جذب می‌کنند تا به آنها کمک کند رشد کنند. هویج، ریشه گیاه است. با آن که با گذاشتن ته هویج در آب، هویج کامل دیگری به دست نمی‌آید، ولی پس از چند روز جوانه‌های سبزرنگ از آن می‌روید.

شاید جوانه‌های کوچک بیرون آمده از سر پیاز یا جبه‌های سیر را دیده باشید. گاهی اگر سبزیجات پس از برداشت، مصرف نشوند، جوانه می‌زنند. سیبزمینی و سیبزمینی شیرین نیز چنین هستند.

ایده‌ای را به دنیا هدیه دهید

مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، برای این روزهای طولانی در خانه ماندن و استفاده بهینه از ایام فراغت، پیشنهاد داده است دنبال طرح ایده‌ای

باشید که آن را به همه هدیه دهید. یکی از این ایده‌ها می‌تواند جمع‌آوری افسانه‌های محلی باشد.

چه ایده خوبی!

این روزها مادر بزرگ‌ها، پدربزرگ‌ها و سالمندانی که در اطراف شما هستند، منبع و امکان خوبی برای این کار محسوب می‌شوند. می‌توانید به آنها تلفن کنید، ایده خود را بدهید و از آنها کمک بگیرید.

اگر در خانه شما حضور دارند که چه بهتر؛ با حفظ نکات بهداشتی پای صحبت‌هایشان بنشینید و افسانه‌ها و قصه‌هایی را که این عزیزان بلد هستند، ضبط کنید یا بنویسید.

نوشته‌هایتان را می‌توانید مستقیم برای مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا بفرستید یا به ما بدهید تا به نام خودتان به آنها بسپاریم.



